

در محضر پیامبر

گفت و گویی صمیمانه با پیامبر اعظم

به کوشش: هادی قطبی

ارتباط شما با مردم و شیوه معاشرت شما با آنها چگونه است؟

از کسی بدگویی نمی‌کنم، عیب کسی را به زبان نمی‌آورم و در پی یافتن عیب و لغزش یاران و دوستانم نیستم.

همچنین با مردم مدارا می‌کنم، چراکه «خداوند همان‌طور که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است». معتقدم «مدارا با مردم نصف ایمان است و مهربانی با آنان نیم زندگی است».

شیوه مدارای شما چگونه است؟

مهربانم. مثلاً اگر چیزی گفته شود که موجب ناراحتی‌ام بشود، نشان نمی‌دهم. اهل گذشتم. البته آنجا که مربوط به خودم باشد، نه حرام الهی.

هنگامی که در جنگ احد دندانم را شکستند و چهره‌ام خون‌آلود شد، یارانم خواستند که به دشمنان نفرین کنم. اما گفتم: «من برای لعن و نفرین مبعوث نشدم، بلکه پیامبر رحمت هستم و برایشان دعا می‌کنم که خدایا قوم مرا هدایت کن، زیرا آنها نادان هستند».

یا در جای دیگری عربی آمد و عباي مرا محکم کشید. به حدی که گردنم قرمز شد. خندیدم و پرسیدم: چه می‌خواهی؟ گفت: از آن درهم و دینارهایی که داری به من هم بده! که دستور دادم به او ببخشند. اما با این حال از او ناراحت نشدم.

همین برخوردها، بسیاری را مجذوب من کرد و سبب‌ساز اسلام‌آوردنشان شد. البته افتخار نمی‌کنم. من سعی کردم از همه متواضع‌تر و بنده‌تر باشم.

با اینکه به سرچشمه وحی متصل هستید و به باطن امور و صلاح کارها آگاهی دارید، باز هم مشورت می‌کنید، چرا؟

چون «هیچ کس از مشورت بی‌نیاز نیست» به همین دلیل توصیه می‌کنم «بگذارید مردم از یکدیگر فایده ببرند و وقتی یکی از شما از برادر خود مشورت خواست، رای خود را به او بگوید». چون «هیچ همکاری بهتر از مشورت نیست» و «کسی به خاطر مشورت بدبخت نشد همان‌طور که هیچ کس از خردایی خوشبخت نشد».

درباره پاداش کمک به دیگران چه می‌فرمایید؟

«هر کس حاجت برادر مسلمان خود را برآورد، مانند آن است که حج و عمره گزارده باشد» و من «اگر به مؤمنی کمک کنم، برایم از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجدالحرام محبوب‌تر است».

ادامه دارد...

آب را در سه نفس می‌نوشم؛ یعنی نمی‌بلعم و می‌مکم. از هیچ خوراکی تعریف یا بدگویی نمی‌کنم. اگر کسی را صدا کنم، تا سه مرتبه صدا می‌زنم و اگر اجازه داخل شدن به جایی را بخواهم، سه مرتبه تکرار می‌کنم.

به افراد، لحظه‌ای نگاه می‌کنم و هیچ‌وقت به چهره کسی خیره نمی‌شوم. اگر کسی حرفی را دوست نداشته باشد، و بیانش لازم نباشد، آن حرف را نمی‌زنم تا ناراحت نشود.

شما و دیگر پیامبران در چه اخلاقی مشترک هستید؟

همه ما «با مردم به اندازه فهم و عقلشان سخن می‌گوییم» و با دیگران خوش‌رویییم.

چقدر با مؤمنان احساس نزدیکی می‌کنید؟
«آن قدر که اگر مؤمنی آزرده شود، گویا من آزرده شده‌ام و اگر مؤمنی شاد شود، من شاد شده‌ام».

درباره حق و حقیقت چگونه عمل می‌کنید؟
همیشه به حق عمل می‌کنم، حتی اگر به ضرر خود یا دوستانم باشد. توصیه هم می‌کنم سخن حق را از هر کس شنیدید، بپذیرید حتی اگر گوینده آن، دشمن شما باشد و سخن باطل را نپذیرید، حتی اگر گوینده آن دوستان باشد.

بسیاری از مردم دوست دارند بدانند که پیامبرشان در خانه چه می‌کند؟

سؤال خوبی است. توصیه می‌کنم دیگر مردمان هم مثل من زندگی کنند. شبانه روز من، به طور کلی به سه بخش تقسیم می‌شود. بخشی برای عبادت یا خدا و راز و نیاز با او، قسمتی برای خانواده و رسیدگی به امور منزل، همسر و تربیت فرزندان، و بخشی هم به امورات شخصی‌ام که ترجیح می‌دهم این مدت را بیشتر با مردم بگذرانم و مشکلاتشان را حل کنم.

حضرت‌عالی از چه راهی اصرار معاش می‌کنید؟

از خلستان بنی‌نضیر که مالک آن هستم، و با فروش محصولات آن، مخارج سالانه زندگی‌ام را تأمین می‌کنم.

وقتی با یاران و دوستان و نزدیکان می‌نشینید، چه می‌گویید و چه کار می‌کنید؟

بیشتر در موضوعی که صحبت می‌کنند، مشارکت دارم. گاه در حضور شعر می‌خوانند، گاه خاطرات دوران جاهلیت را تعریف می‌کنند و می‌خندند. من هم گوش می‌کنم و لبخند می‌زنم. اگر سخن حرامی بگویند و عمل حرامی انجام ندهند، مانع کارشان نمی‌شوم. آداب خاصی هم درباره گفت‌وگو متذکر می‌شوم؛ مثلاً می‌گویم «اگر سه نفر هستید، دو نفری با هم بیچ بیچ نکنید که فرد سوم را غمگین می‌کند».

اجازه بدهید از محضرتان درباره زندگی شخصی شما بپرسیم

«من تربیت شده خدا هستم» و امین زمین و آسمان، شجاع، مهربان، فروتن، با حیا، اهل توکل، زاهد، بی‌رغبت به دنیا و عابدترین مردم.

مثلاً حضرت یوسف علیه‌السلام درباره من به زلیخا گفته بود: «اگر تو پیامبر آخرالزمان را می‌دید، چه می‌کردی؟ او از من زیباتر و اخلاقش نیکوتر و بخشندگی‌اش بیش از من است».

«من سرور فرزندان آدم هستم و البته هیچ افتخاری نمی‌کنم».

در هنگام شادی و سرور، چه می‌کنید؟

اگر زیاد خوشحال شوم، خنده می‌کنم به گونه‌ای که چند لحظه دندان‌هایم نمایان می‌شود و بر محاسنم دست می‌کشم.

البته اگر خبر خوشی بشنوم، سجده شکرش را بجا می‌آورم.

هنگام ناراحتی چگونه؟ وقتی به شما تهمت می‌زنند یا به وجود مقدستان آسیب می‌رسانند؟

صبر پیشه می‌سازم، ناشکری نمی‌کنم و برای گمراهان از خداوند متعال طلب هدایت می‌کنم و از اینکه در جهل و نادانی به سر می‌برند، ناراحت می‌شوم.

چه کارهایی را هیچ‌گاه ترک نمی‌کنید؟ درحقیقت برای ما و نسل آینده، قدری از سیره خود بفرمایید.

اگر با کسی دست دهم، تا او رها نکند، دستش را رها نمی‌کنم. اگر کسی کمک خواست، کمکش می‌کنم؛ اگر کار چندان مفیدی هم نباشد، نمی‌گویم این چه کاری است! مگر خودش پشیمان شود یا مشورتی بخواهد. در مقابل کسی، پای خود را دراز نمی‌کنم. اگر بین دو کار (معنوی) مختیر شوم، کار سخت‌تر را انتخاب می‌کنم.

اگر به شخص من ظلم کنند، انتقام نمی‌گیرم، اما اگر به محارم الهی توهین شود، خشمگین می‌شوم. هیچ‌وقت در حال غذا خوردن تکیه نمی‌دهم. اگر کسی چیز حلالی از من درخواست کند، پاسخ منفی نمی‌دهم و تا آنجا که امکان داشته باشد، کمکش می‌کنم، و اگر نه راضی‌اش می‌کنم.

هیچ‌وقت بیهوده سخنی نمی‌گویم. همیشه خوش‌بو و معطر هستم. به دلیل موقعیت اجتماعی که دارم، وقتی با دیگران سر سفره بنشینم، قبل از همه شروع می‌کنم و آخر از همه کنار می‌روم.

برای غذا خوردن فقط از غذای مقابلم استفاده می‌کنم و دست درازی نمی‌کنم؛ مگر آنکه سر سفره خرم و رطب باشد.